

آیا جزوه را از سایت ما دانلود کرده اید؟

کتابخانه الکترونیکی **PNUEB**

پیام نوری ها بشتابید

مزایای عضویت در کتابخانه **PNUEB**:

دانلود رایگان و نامحدود خلاصه درس و جزوه

دانلود رایگان و نامحدود حل المسائل و راهنما

دانلود کتابچه نمونه سوالات دروس مختلف پیام نور با جواب

WWW.PNUEB.COM

کتابچه نمونه سوالات چیست:

سایت ما **افتخار** دارد برای اولین بار در ایران توانسته است کتابچه نمونه سوالات تمام دروس پیام نور که هر یک حاوی تمامی آزمون های برگزار شده پیام نور (تمامی نیمسالهای موجود **فتی الامکان** با **جواب**) را در یک فایل به نام کتابچه جمع آوری کند و هر ترم نیز آن را آپدیت نماید.

مراحل ساخت یک کتابچه نمونه سوال

(برای آشنایی با زحمت بسیار زیاد تولید آن در هر ترم):

دسته بندی فایلها - سرچ بر اساس کد درس - پسابندن سوال و جواب - پیدا کردن یک درس در نیمسالهای مختلف و پسابندن به کتابچه همان درس - پسابندن نیمسالهای مختلف یک درس به یکدیگر - وارد کردن اطلاعات تک تک نیمسالها در سایت - آپلود کتابچه و فیلدی موارد دیگر..

همچنین با توجه به تغییرات کدهای درسی دانشگاه استثنائات زیادی در ساخت کتابچه بوجود می آید که کار ساخت کتابچه را بسیار پیچیده می کند.

WWW.PNUEB.COM

کتابخانه الکترونیکی **PNUEB**

WWW.PNUEB.COM

رشته زبان و ادبیات فارسی

نام درس: انواع ادبی

مؤلف: دکتر سیروس شمیسا

تعداد واحد: ۲ واحد

تهیه کننده: جلیل مسعودی فرد

عضو هیأت علمی مرکز بجنورد

معرفی طرح درس

درس انواع ادبی از دروسی است که گذراندن آن برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی در ترمهای آغازین تحصیل ضروری است.

دانشجویان در این درس با انواع ادبی اصلی و فرعی ادبی در ادبیات غربی و فارسی و قوالب شعری فارسی آشنا می شوند.

اهداف درس:

آشنایی با

- ۱- انواع ادبی در ادبیات دنیا و چگونگی استقلال یا ارتباط آثار ادبی با یکدیگر.
- ۲- انواع اصلی ادبی فارسی در قدیم.
- ۳- انواع جدید ادبی فارسی.
- ۴- انواع فرعی ادبی.
- ۵- قوالب شعری.

جایگاه درس:

درس انواع ادبی برای منظم کردن شناخت دانشجویان از انواع ادبی و قالب های شعری بسیار ضروری است. در این درس دانستها و شناخت کلی دانشجویان منظم تر می شود.

هدف های رفتاری:

از دانشجویان انتظار می رود که با موارد ذیل آشنا شوند

- ۱- موضوع اصلی انواع ادبی
- ۲- انواع عمده ادبی نزد قدمای غربی
- ۳- انواع ادبی در ایران
- ۴- انواع فرعی ادبی مانند مرثیه ...
- ۵- قوالب شعری
- ۶- قوالب فرعی

انواع ادبی چیست؟

انواع ادبی در ردیف سبک‌شناسی و نقد ادبی یکی از اقسام جدید علوم ادبی است. موضوع اصلی آن طبقه‌بندی کردن آثار ادبی از نظر ماده و صورت در گروه‌های محدود و مشخص است. در انواع ادبی هدف اصلی طبقه‌بندی کردن بر حسب ساختمان آثار ادبی و مختصات درونی و ساختاری آن‌هاست.

سابقه انواع ادبی:

انواع ادبی ترجمه Literary genres است، ژانر در فرانسه به معنی نوع است و در انگلیسی هم با همین تلفظ فرانسه به کار می رود.

اصل آن گویا لغت یونانی است که به عقیده برخی با جنس عربی هم ریشه است.

ادامه دارد...

سابقه انواع ادبی مثل غالب علوم ادبی به آثار ارسطو و هوراس رومی horace می رسد

در نزد قدمای غرب انواع ادبی عبارتند از :

۱- حماسی epic

۲- غنایی LYRIC

۳- نمایشی dramatic :

۱- سوگنامه یا تراژدی tragedy
۲- شادی نامه یا کمدی comedy

ادامه دارد...

۸

تا اواخر دوره رنسانس بلکه تا حدود قرن هجدهم میلادی مشخصات و حدود این انواع برای نویسندگان روشن بود و قوانین مربوط به هر نوع رعایت می شد. یعنی رعایت قراردادهای ادبی واجب بود.

در دوران معاصر انواع جدیدی به انواع ادبی افزوده شد. مثل داستان نویسی، مقاله نویسی ...

نظرات مختلف در طبقه بندی آثار ادبی

غیر عملی ترین طبقه بندی ، تقسیم آثار ادبی به **نظم و نثر** است.

ارسطو به لحاظ ماده شعر که تقلید و محاکات است به انواع **حماسه ، تراژدی و کومدی** اشاره می کند و تفاوت آنها را بیان می نماید.

گونه در دیوان شرقی خود آثار ادبی را به سه نوع تقسیم می کند:
حماسه و شعر غنایی و درام.

جالب ترین و جدیدترین تئوری توسط «نورتروپ فرای» ارائه شده است.

او به چهار نوع عمده ادبی معتقد است:

نمایشی ، پهلوانی، هجایی و غنایی

نقد بر مبنای انواع ادبی:

نقد نوعی gener criticism بدین معنی است که در مطالعه اثری توجه داشته باشیم که نوع ادبی آن اثر چیست و در این نوع بر حسب سنت چه قرارداد هایی باید محفوظ شود.

آیا شاعر یا نویسنده آن قراردادها را رعایت کرده است یا نه؟

سابقه نقد نوعی:

سابقه نقد نوعی به فن شعر ارسطو می‌رسد. در عصر ما نور تروپ در کتاب «تشریح نقد ادبی» بحث نقد نوعی را دوباره زنده کرد.

هیرش در باب نقد نوعی نظریات کاملاً متفاوتی دارد. او طبقه‌بندی فرای ناروا می‌خواند و برای آثار ادبی قایل به فردیت و استقلال است.

انواع ادبی در ایران:

تقسیم بندی غربیان جنبه معنایی دارد و از این رو جهانی است. اما تقسیم بندی ما در ایران صوری بوده است و شعر را با توجه به تعداد ابیات و وضع قافیه آن تقسیم کرده اند. البته گاهی به ندرت در آثار قدما به انواع مختلف معنایی هم بر می خوریم.

مثلاً در باب پنجم بوستان.

خاقانی به ده شیوه شاعری اشاره می کند که مقصودش انواع ذیل است:

- ۱- نسیب و تشبیب
- ۲- مفاخره
- ۳- حماسه
- ۴- مدح
- ۵- رثا
- ۶- هجا
- ۷- اعتذار
- ۸- شکوی
- ۹- وصف
- ۱۰- حکمت و اخلاق

این انواع را می توان به شکل ذیل خلاصه کرد:

۱- غنایی: شامل نسیب و تشبیب (همان تغزل) ، رثا ، شکوی و اعتذار

۲- حماسی: شامل مفاخره و مدح

۳- هجایی: شامل طنز

۴- روایی: شامل وصف

۵- تعلیمی: شامل حکمت و اخلاق

می توان گفت که قدا به نوع ادبی توجه داشته اند اما در کتب قدیم
هیچگاه مستقلاً به بحث انواع ادبی نپرداخته اند و این وضع تا دوران
ما همچنان ادامه داشته است.

بخش اول

در بخش اول کتاب ، انواع ادبی اصلی قدیم را مورد مطالعه قرار می دهیم:

۱- حماسی

۲- غنایی

۳- نمایشی (تراژدی و کمدی)

تعریف حماسه

حماسه: در لغت به معنی دلاوری و شجاعت است. حماسه شرح تاریخ قبل از دوران تاریخی است. گزارشی است از اوضاع روزگاران نخست و تاریخ صدر جهان و روزگار مردمان نخستین را ترسیم می کند.

ادامه دارد...

به عبارت دیگر:

حماسه هر ملتی بیان کننده آرمانهای آن ملت است.

حماسه شعر ملل است به هنگام طفولیت ملل، آن گاه که تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته و شاعر مورخ ملت است.

حماسه های قدیم بیشتر منظومند ، اشعار روائی بلندی که خاطره پهلوانانی را
گرامی می دارند که در راه مجد و عظمت ملت خود کوشیده اند. از این رو اسم
دیگر حماسه ، شعر پهلوانی است.

حماسه شفاهی و مکتوب:

از آنجا که حماسه خاطره هایی دور از دوره های نخستین است، به صورت شفاهی سینه به سینه نقل می شد تا وقتی به ضرورت مکتوب شده است.

مثلاً تا عصر فردوسی **داستان رستم و سهراب** مکتوب نشده و فردوسی آن را به نظم کشیده است.

ادامه دارد...

حماسه هر چه جدید تر مکتوب شده باشد بالایه هایی از منطق و آئین و رسوم عصر پوشانده می شود و به مقتضای دوره کتابت تغییراتی می کند.

منتقد ادبی باید مانند یک باستان شناس لایه های ظاهری را از هسته اصلی حماسه تشخیص دهد.

ادامه دارد...

گاهی لایه برداری آسان است و گاهی بسیار مشکل.
برای این کار ابزاری لازم است:

اسطوره شناسی ، مردم شناسی ، جامعه شناسی ، ادبیات تطبیقی ،
روانشناسی یونگی

توسع معنای حماسه

معمولاً معنای حماسه را توسع داده و آن را به آثاری که در یکی از ابعاد، دارای روح حماسی باشند نیز اطلاق می کنند مثل:

کمدی الهی دانته ، جنگ و صلح تو لستوی

اهمیت حماسه

البته تعداد حماسه های اصیل از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کند.

نویسندگان رنسانس آن را عالی ترین نوع ادبی می دانستند و این عقیده تا قرن نوزدهم هم شایع بود و کم کم رمان جایگزین آن شد.

انواع حماسه :

الف- تقسیم بر حسب قدمت :

۱- حماسه های سنتی یا شفاهی: شاهنامه فردوسی، ایلیاد و اودسیه

۲- حماسه های تاریخی یا مکتوب که بر اساس حماسه های قدیمی ساخته شده اند.

۳- حماسه های متأخر که از روی حماسه های ثانوی ساخته شده اند.

ب- حماسه بر حسب موضوع :

۱- حماسه اساطیری: که قدیمی ترین و اصیل ترین نوع حماسه است. این نوع حماسه مربوط به دوران ما قبل تاریخ است و بر مبنای اساطیر ساخته شده است.

مثل: حماسه سومری گیلگمش و بخش اول شاهنامه فردوسی

۲- حماسه پهلوانی :

که در آن از زندگی پهلوانان سخن رفته است حماسه پهلوانی ممکن است جنبه اساطیری داشته باشد.

مثل: **زندگی رستم در شاهنامه**
و ممکن است جنبه تاریخی داشته باشد.
مثل: **سفر نامه حمدالله مستوفی**

۳- حماسه های دینی یا مذهبی :

که قهرمان آن یکی از رجال مذهبی است و ساخت حماسه بر مبنای اصول یکی از مذاهب است.

مثل کمدی الهی دانته

حماسه های اخلاقی همان حماسه های دینی است و می توان به آن حماسه فلسفی نیز گفت.

۴- حماسه های عرفانی که خاص ادبیات فارسی است در این گونه حماسه قهرمان بعد از شکست دادن دیو نفس به پیروزی که جاودانگی از طریق **فنا فی الله** است دست می یابد.

مثل حماسه حلاج در تذکره الاولیاء و منطق الطیر عطار

انواع فرعی حماسه :

۱- حماسه طنز:

آن است که از زندگی امروزه ابعاد حماسی آن را استخراج کنیم و به شکل طنز به نمایش در می آوریم.

۲- حماسه مسخره : قهرمان آن به اصطلاح یک پهلوان پنبه است.

ادامه دارد...

۳- حماسه دورغ :

قهرمان آن یک پهلوان دروغین است مثل قصاید غرایبی که درباره رشادتها و جنگهای پادشاهان حقیر سروده شده است .

حماسه های معروف جهان:

۱- ادبیات سانسکریت :

الف- مهابهاراتا: سروده صدها شاعر در ازمنه مختلف است. (۲۰۰ سال قبل از میلاد تا ۲۰۰ سال بعد از میلاد) که به وسیله **ویاسا** جمع آوری شده است.

ب- رامایانا: سروده **والمیکی** در قرن سوم قبل از میلاد که سرگذشت **راما** (یکی از تجسدهای خدای هند) را بیان می کند .

۲- ادبیات یونانی : ایلیاد و ادویسه هر دو از همبر.

ایلید در ۲۴ فصل شرح هفته های آخر جنگهای ده ساله یونان و تروا است پاریس پسر شاه تروا ، هلن شاهزاده یونانی را از نزد شوهرش ربود و این کار یونانیان را به جنگ با مردم تروا می کشاند.

ادامه دارد...

۳۵

اوديسه ۲۴ سروده دارد.

اوليس یکی از پهلوانان جنگ تروا در راه بازگشت دچار سرگشتگی ها و گرفتاریهایی می شود مردم می پندارند او مرده است و می خواهند با زن او ازدواج کنند **اوليس** ناشناس به زادگاه خود بر می گردد و خواستگاران را به عقوبت می رساند.

۳- ادبیات رومی

آنه ئید: سروده ویرژیل (۷۰-۱۹ قبل از میلاد) داستان **آنه اس** جد افسانه ئی رومی هاست جنگ بین روم و کارتاژ است.

۴- ادبیات عرب:

۱- الحماسه اثر ابوتمام (۲۳۱-۸۸ هـ. ق) کتابی در ده باب که فقط عنوان باب اول آن حماسه است.

۲- الحماسه ، اثر بحتری (۲۸۴-۲۰۶ هـ. ق) هم دارای ابوابی است و در هر باب اشعاری انتخاب شده است.

۵- ادبیات فارسی: شاهنامه

فردوسی حدود سال ۳۷۰ شروع به نظم شاهنامه کرد و حدود ۶۰ هزار بیت سرود. بخش اساطیر از زمان کیومرث تا فریدون است.

۶- ادبیات اروپایی :

۱- حماسه معروف فرانسه سرود رولان است که در اواخر قرن ۱۱ میلادی مکتوب شد. مربوط به رولان قهرمان فرانسوی در قرن هشتم است.

۲- قدیمی ترین حماسه انگلیسی بیوولف است که در قرن هشتم میلادی منظوم شد.

ادامه دارد...

ع.

۳- حماسه معروف دیگر انگلیسی بهشت گمشده اثر میلتون است قهرمان این حماسه حضرت آدم است.

۴- حماسه آلمانی ها سرود نیلونگن اثر شاعری نامعلوم در قرن دوازدهم.

۵- ایتالیایی ها هم چند حماسه دارند: کمدی الهی اثر دانته

- ۱-مهریشت و زامیاد یشت در اوستا
- ۲- ایاتکار زیران در پهلوی
- ۳- بخش اول شاهنامه فردوسی

حماسه های ایران

۱- حماسه های اساطیری الف- منظوم

- ۱- کارنامه اردشیر بابکان در پهلوی
- ۲- شاهنامه ابوالمویذ بلخی و ابومنصوری
- ۳- داستانهای اسکندر ، داراب نامه

ب- منثور

۲- حماسه های پهلوانی منشور : سمک عیار - حسین کرد شبستری

۳- حماسه های تاریخی منظوم : ظفر نامه ، حمدالله مستوفی
شهنشاه نامه صبا

چند اصطلاح :

۱- اسطوره : مطالبی است که ژرف ساخت آن حقیقت و تاریخ (در عصر مردمان کهن) و رو ساخت آن افسانه باشد. اسطوره همان مذاهب منسوخ ملل قدیم است که امروزه کسی به صورت خود آگاه بدان ها اعتقاد ندارد اما به صورت ناخود آگاه در بسیاری از رفتار و پندار ما موثر است .

۲- روئین تنی : روئین تن کسی است که هیچ حربه‌ی بر او اثر ندارد.

نیروهای ما فوق طبیعی او را شکست ناپذیر کرده اند و فقط یک جای بدن او روئینه نیست مانند **اسفندیار** که فقط چشمش روئین نیست .

۳- صور اساطیری : یا آرکی تایپ که به صورت مثالی و کهن الگو هم ترجمه شده است اصطلاح یونگی برای محتویات ناخودگاه جمعی است یعنی افکار غریزی و مادر زادی یا الگوهای از پیش تعیین شده فطری و ذاتی در انسان وجود دارد.

۴- خونخواری: قهرمانان پس از کشتن دشمن خون او را می نوشیدند تا نیروی او را به خود منتقل کنند گویی خون را همان روح یا ناقل روح می دانستند.

۵- نام پوشی یا کتمان نام: دیگر از اعتقادات جادوئی اقوام کهن این بود که اسم معرف کامل مسمی است و اگر کسی اسم کسی را بداند به معنی این است که او را به درستی می شناسد و بر او تسلط دارد.

به همین دلیل در جنگها پهلوانان نام خود را فاش نمی ساختند.

مختصات حماسه :

در هر اثر حماسی برخی از مختصات زیر در دیده می شود :

۱- متضمن جنگاوری و بهادری است.

۲- در حماسه حیوانات نقش های بزرگی دارند و حیوانات معمولی نیستند.

ادامه دارد...

۳- قهرمان حماسه جانور مهیبی را به قتل می رساند.

۴- با گیاهان عجیبی که خواص جادویی دارند مواجهیم.

۵- قهرمان حماسه موجودی فوق طبیعی است.

۶- نیروهای متافیزیکی در حماسه نقش دارند.

ادامه دارد...

۵-

۷- گاهی گروهی از خدایان طرفدار یک قهرمان و گروهی طرفدار قهرمان دیگرند و درحقیقت نبرد و قهرمان نبرد خدایان با یکدیگر است .

۸- ایزد بانویی ، عاشق قهرمان حماسه می شود اما قهرمان به عشق او واقعی نمی نهند.

ادامه دارد...

۹- قهرمان حماسه ، قهرمان قومی و نژادی و ملی است.

۱۰- قلمرو قهرمان حماسه همه آفاق است.

۱۱- اعمال قهرمان حماسه خارق العاده و غیر طبیعی است.

۱۲- قهرمان حماسه در هر بخش از زندگی خود با یک ضد قهرمان مواجه است.

ادامه دارد...

۱۳- قهرمان حماسه به سفرهای مخاطره آمیز می رود .

۱۴- قهرمان حماسه اعمال بزرگی انجام می دهد که اهمیت ملی یا حکمی دارد .

۱۵- یکی از صحنه های مهیج نبرد تن به تن است .

ادامه دارد...

۵۳

۱۶- در این جنگ تن به تن انواع فنون و اقسام سلاح آزموده می شود.

۱۷- در حماسه معمولاً با صحنه هایی از پیشگویی مواجهیم.

۱۸- در حماسه سخن از دیوان و غولان و جادوان می رود.

ادامه دارد...

۱۹- در برخی از حماسه ها ، شاعر با یکی از الهگان شعر تماس می یابد.

۲۰- در حماسه با عینیت و اقتدار و سادگی و عظمت مواجهیم.

۲۱- حماسه دارای معنایی جدی و الفاظ سنگین و فاخر است .

**گیل گمش: قدیمی ترین حماسه که امروزه در دست است
حماسه سومری گیل گمش است که در حدود سه هزار سال
قبل از میلاد پدید آمد.**

ایلیاد : دومین حماسه کهن جهان ایلیاد و اودیسه اثر **همر**
است که قدمت آنها به حدود هشتصد سال پیش از میلاد
می رسد ایلیاد خاطره هفته های آخر جنگ دوم یونان با **تروا**
است .

سبک حماسی : همه محققان بر این نکته متفق القول اند سبک حماسی سبکی فاخر و جزیل است که باید در آن عظمت هم از نظر لفظ و هم از نظر معنی چشمگیر باشد. علو معنی و صلابت لفظ.

اغراق هم از ذاتیات حماسه است .

ادامه دارد...

از مختصات دیگر سبک حماسی کاربرد فراوان **اشیاء حماسی** است
بوق و کوس ، دشت ، کوه ، دریا ، تیرو گرز ، خون و نعره

در سبک حماسی از انواع فنون جنگ آوری از قبیل دست به کمر بردن
و بلند کردن استفاده می شود .

بدیع :

در سبک حماسی آرایش بیش از حد کلام با استفاده از صنایع بدیعی جایز نیست. چون حماسه متضمن خبر بزرگی است و احتیاجی به شاخ و برگ ندارد.

به عبارت دیگر خود موضوع و داستان در حماسه به نحوی است که جلب توجه می کند.

اغراق :

اغراق در حماسه جزو ذات شعر است نه یک صفت بدیعی. زیرا حماسه یا جنبه اساطیری دارد و با اعمال محیرالعقول همراه است و یا پهلوانی است جنگاور.

شرح چنین وقایعی به صورت طبیعی با اغراق همراه است.

قهرمان حماسه:

قهرمان حماسه باید ملی باشد **اسکندر نامه نظامی** از نظر ادبی اثری بسیار والاست اما نظامی اسکندر غیر ایرانی را قهرمان حماسه کرده است از این رو اثر او رواجی نیافته است.

ادب غنایی

ادب غنایی در اصل اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح کند.

در یونان باستان این گونه اشعار با سازی به نام **لیر** نواخته می شد از این رو در زبان های فرنگی **لیریک Lyric** نامیده می شود.

در اکثر نقاط جهان این اشعار با موسیقی همراه است.

ادامه دارد...

در شعر فارسی ادب غنایی به صورت داستان ، مرثیه ، مناجات ،
بث الشکوی و گلایه و تغزل در قوالب غزل ، مثنوی و رباعی مطرح
می شود .
از همه مهمتر قالب غزل است.

منشاء ادب غنایی

دوران اوج و رواج ادب غنایی مربوط به گسترش تمدن و ایام شهر نشینی است و از این رو غنا نسبت به حماسه متأخر است ادب غنایی مربوط به دوره هایی است که نظامهای اجتماعی شکل گرفته است و انسان در جامعه احساس تنهایی کرده است.

ادبیات غنایی در ایران

از قرن ششم به بعد با پیدایش قالب غزل و رواج عرفان است که ادبیات غنایی به معنی راستین خود رواج می یابد و از آن تاریخ تا امروز مهم ترین نوع در ادب فارسی است.

در حماسه نگاه بیرونی است و در غنا نگاه درونی است.

ادبیات غنایی داستانی

اروپائیان شعر غنایی را کوتاه و غیر روایی می دانند و اگر بلند باشد به آن شعر غنایی نمایشی dramatic گویند.
از آنجا که در ایران هنر نمایش رواج نداشته است شعرهایی غنایی بلند ما جنبه داستانی دارد. مثل خسرو شیرین نظامی

سبک غنا

ادب غنایی دو معنی دارد :

۱- اشعاری که بیان احساس و عواطف می کند در این صورت شاعر با نگاهی عاطفی به مسایل درونی خود رنگ فلسفی و جامع شناختی می دهد .
و مسایل کلی حیات را به شکل موثر بیان می کند.

ادامه دارد...

۲- اشعار عاشقانه : که در ادبیات فارسی سه نوع معشوق داریم .

۱- معشوق زمینی در غزل سعدی .

۲- معشوق آسمانی در غزل مولوی .

۳- معشوقی که گاهی زمینی و گاهی آسمانی است در غزل حافظ .

زبان ادب غنایی

از آنجا که غزل فارسی در سبک عراقی است.
زبان ادب غنایی ما پر از صناعات بدیعی و تشبیه و استعاره ها و مجاز
است لغات نسبت به سبک خراسانی نرم تر و تراش خورده تر است.
درصد لغات عربی زیادتر است.
از نظر فکری مسایل درونی مطرح می شود شعر غمگرا و عشق گرا
است.

ادب دراماتیک یا نمایشی

ارسطو یکی از انواع مهم ادبی را ادب درامتیک دانسته است.

ادب دراماتیک یا نمایشی در یونان باستان و روم بسیار رواج داشت.

در ایران پیش از اسلام هم ظاهراً نمایشنامه وجود داشت.

اما در ایران پس از اسلام نمایشنامه نداشته ایم مگر این که **تعزیه** را نوعی نمایشنامه محسوب کنیم.

ادامه دارد...

در ادب فرنگی به نمایشنامه پی که فقط برای خواندن است نه اجرا کردن نمایشنامه بسته closet drama گویند.

ارسطو ادب درامتیک را به دو نوع تراژدی و کمدی تقسیم می کند.

۱- تراژدی یا غمنامه

تراژدی نمایش اعمال مهم وجدی یی است که در مجموع به ضرر قهرمان اصلی تمام می شوند .
یعنی هسته داستانی به یک فاجعه ختم می شود. این فاجعه معمولاً مرگ جانگداز قهرمان تراژدی است.

ارسطو در **تعریف تراژدی** می گوید :

تراژدی تقلید و محاكاة است از کار و کردار شگرف و تمام، دارای درازی و اندازه ای معلوم و معین ، به وسیله کلامی به انواع زینت ها آراسته .

قهرمان تراژدی

ارسطو می گوید: قهرمان تراژدی در ما هم حس شفقت را بیدار می کند و هم حس وحشت و هراس را .

او نه خوب است و نه بد ، مخلوطی از هر دو است.

قهرمان در اثر نقطه ضعفی که دارد مرتکب اشتباه می شود.

نقطه ضعف قهرمان

یکی از رایج ترین انواع نقطه ضعف در تراژدی های یونانی **غرور** است. از خود راضی بودن و اعتماد به نفس بیش از حد که باعث می شود قهرمان به ندهای آسمانی و درونی توجه نکند و یا از قوانین اخلاقی منحرف شود.

عوامل تراژدی:

ارسطو در تراژدی ، شش عامل تشخیص داده بود .

۱- هسته داستان یا افسانه مضمون که ترتیب منظم حوادث و اعمال است.

۲- قهرمانان و اشخاص که بازی کنان نمایشنامه هستند.

۳- اندیشه ها که حرفهای قهرمانان با نتایج اعمال آنان است.

ادامه دارد...

۴- بیان یا گفتار که کاربرد کلمات در تراژدی است. طرز بیان باید سنگین و موزون باشد.

۵- آواز کر، آوازی که دسته های همسرایان در تراژدی می خوانند.

۶- وضع صحنه یا منظر نمایش که مربوط به صحنه آرایی و صحنه سازی است.

شعر و نثر تراژدی

در غرب تا پایان قرن هجدهم غالب تراژدی ها به شعر بودند ،
قهرمانی که دچار بدبختی می شد متعلق به طبقات بالای
اجتماع بود.

امروزه تراژدی معمولاً به نثر است و قهرمانان از طبقه ی
عادی اجتماع است.

تراژدی پهلوانی

در اواخر قرن هفدهم بین حماسه و تراژدی تلفیقی
حاصل شد و تراژدی پهلوانی بوجود آمد.

ضد قهرمان

ضد قهرمان فردی است که برخلاف قهرمانان قدیم که در ها له ای از عظمت و وقار و قدرت احاطه شده بودند، منفی و بی اثر است. این نوع قهرمان را در آثار **بگت** می تواند دید.

منشا تراژدی

تراژدی در اصل جنبه مذهبی داشت و هدف آن جلب رضایت خدایان و برانگیختن رحمت آنان بود.

در یونان قدیم هر ساله مراسم مذهبی برای **دیونوسوس** خدای شراب و بار آوری و حیات اجرا می شد.

ادامه دارد...

در این مراسم که بدان **دیونوسیا** می گفتند بزی را به عنوان سمبل دیونوسوس پاره پاره می کردند و از این رو معنی اصل تراژدی **ترانه بز** است.

در مراسم قربانی آوزاه هایی خوانده می شد که منشا **آواز کر** در تراژدی های بعدی است.

فلسفه آوازهای تراژدی:

فلسفه این آوزاها این بود که خدای زندگی مرده بود و با این ترانه ها سوزناک برای او عزاداری می کردند بدین ترتیب می توان تراژدی را به **تعزیه** ترجمه کرد.

از این دیدگاه تراژدی تعزیه دیونوسوس است.

تفاوت تراژدی های ما و یونان

برخلاف تراژدی های یونانی در تراژدی های ما از آوازه های سوزناک خبری نیست اما از مجالس بزم و آواز خنیاگران سخن رفته است .

در داستان **رستم و سهراب** با آنکه رستم موظف است فوراً به پایتخت برود اما سه روز مجلس بزم بر پای می سازد.

قربانی کردن

گاهی در مراسم قربانی کردن به جای بز انسانی را قربانی می کردند
قربانی کردن دختران باکره در مراسم قدیم و فدیہ کردن آن ها برای
جلب رضایت خدایان نمونه های متعددی دارد.

ژرف ساخت تراژدی

ژرف ساخت دیگر تراژدی عبارت است از : دردوران مادر سالاری در جوامع کشاورزی زن سالار ، شاه پیر که سمبل سال کهن بوده است به دست شاه جوان به کمک مادرش به قتل می رسیده.

پیشگویی

یکی از مشخصات تراژدی (مانند حماسه) احتوای آن به پیشگویی و پیش بینی است.

در داستان **رستم و اسفندیار** عمل پیشگویی بر عهده **جاماسب** است.

تراژدی و حماسه

تراژدی و حماسه شباهت ها و اختلاف های زیادی دارد .

ارسطو می گوید :

حماسه نیز مانند تراژدی یک نوع تقلید و محاكاة است به وسیله وزن از احوال و اطوار مردمان بزرگ و جدی .

ادامه دارد...

لیکن اختلاف حماسه با تراژدی از این بابت است که تراژدی همواره وزن واحدی دارد و شیوه بیان نیز نقل و روایت است. (نه فعل و عمل)

هم چنین از حیث طول مدت نیز تفاوت دارند تراژدی کوتاه است در صورتی که حماسه از حیث زمان محدود نیست.

ادامه دارد...

۹۰

**در تراژدی و حماسه امور عجیب دیده می شود و اغراق فراوان
وجود دارد اما در حماسه این مختصه نمایان تر است .**

هم در هر دو شاعر نباید خود را جلوه دهد و منعکس کند.

حماسه بلندتر از تراژدی است .

ادامه دارد...

یک فرق مهم بین حماسه و تراژدی که در فن شعر به آن تصریح نکرده است **وضع قهرمان** است.

در تراژدی حتماً فاجعه است که قهرمان را به تیره بختی می کشاند حال آنکه در حماسه چنین نیست.

تراژدی و داستان

چنان که گذشت بزرگترین فرق بین تراژدی به معنی سنتی آن با داستان این است که تراژدی جنبه نمایشی دارد.

از طرفی تراژدی امروزی می تواند نمایشی نباشند و از این رو بین داستان و تراژدی شباهت بسیاری است.

فرق تراژدی و داستان

۱- در تراژدی نویسنده از قبل موضوع را می داند حال آن که در داستان خود قهرمانان هستند که در خلال داستان وضعیت را اندک اندک روشن می کنند .

۲- در تراژدی جبر سرنوشت و ترس و ترحم است حال آنکه در داستان می تواند چنین نباشد .

ادامه دارد...

۳- در داستان اندیشه های فردی قهرمانان مطرح می شود
حال آنکه تراژدی جنبه کلی دارد و تیپ را مطرح می کند.

۴- در تراژدی حتماً باید انسانی والا بر اثر اشتباهی تیره
بخت شود حال آنکه چنین طرحی در داستان اجباری نیست.

۵- از همه مهمتر این که شخصیتها در داستان می توانند تغییر
کنند حال آنکه در تراژدی قهرمان تغییر نمی کند.

اشتباه یا سرنوشت ؟

چنان که دیدم ارسطو تغییر سرنوشت و وقوع فاجعه را بر اثر اشتباه قهرمان تراژدی می داند و این سخن در مورد تراژدی های داستانی کاملاً صحیح است.

اما آنجا که پای وقایع تاریخی و قهرمانان واقعی در بین است سرنوشت را مقصر می دانیم.

۲- کم‌دی یا شادی نامه

کم‌دی اثری است که در آن مواد و مصالح به نحوی تنظیم شده باشند که توجه بیننده را جلب کنند و باعث سرگرمی شوند.

در کم‌دی شخصیت قهرمانان و شکست‌هایشان بیشتر جنبه شادی و سرگرمی دارد.

ارسطو می گوید: کمدی تقلیدی و محاکاتی است از اطوار و اخلاق زشت.

فقط تقلید و توصیف اعمال و اطوار شرم آور است که موجب ریشخند و استهزاء می شود.

اقسام کمدی

منتقدان فرنگی کمدی را به چند نوع تقسیم کرده اند:

۱- کمدی رمانتیک: اوج آن در آثار شکسپیر و نویسندگان دوره الیزابت دیده می شود و آن مشتمل بر حوادث عشق زنی است که قهرمان نمایش است. این عشق علیرغم همه مشکلات به شادکامی می انجامد.

۲- کم‌دی طنز: در این نوع کسانی که قوانین اخلاقی و اجتماعی را زیر پا می‌گذارند مورد تمسخر واقع می‌شوند و نویسندگان از بی‌نظمی‌های اجتماعی انتقاد می‌کنند.

۳- کم‌دی رفتار: در این نوع از اعمال زشت و توطئه‌های طبقه اشراف و بزرگ‌زادگان سخن می‌رود تأثیر شادی بخش آن در گروه مکالمات خنده‌آوری است که بین شخصیتهای احمق و گول‌رد و بدل می‌شود.

۴- فارس Farce: اثری است که خواننده و بیننده را از صمیم دل به خنده وامی دارد.

شخصیتهای بزرگ شده یا کوچک شده در موقعیتهای خنده آوری قرار می گیرند.

فارس گاهی به عنوان یک داستان فرعی دیده می شود.

اقسام کم‌دی:

برخی از منتقدان به طور کلی کم‌دی را به دو نوع تقسیم کرده‌اند.

۱- کم‌دی عالی یا سطح بالا که باعث خنده رو شنفکران می‌شود و در آن طنزهای ظریف و سطح بالایی است.

۲- کم‌دی پست یا سطح پایین که در آن شوخی‌های مبتذل و جوک‌های زشت مطرح است.

تنوع و تسکین

منظور از تنوع و تسکین طرح سخنها و صحنه های شوخی و شادی در یک اثر جدی تراژدیک است.

این عامل باعث تنوعی در نمایش می شود و اندکی از آلام بیننده را که بر اثر ترس و شفقت ایجاد شده است می گاهد.

کمدی در ایران

نمایشنامه کمدی به این اشکال فرنگی در ایران وجود نداشته است .

اما قطعات کوتاه منظوم و منثور در طنز و انتقاد از مفاسد اجتماعی و طبقاتی از مردم در ادبیات ما هست .

مثل آثار عبید و هجو و شهر آشوب

انواع جدید : داستان

داستان یا ناول Novel اثری است روایی به نثر که مبتنی بر **جعل (fiction)** باشد.

اگر دراز باشد به آن **ناول** و اگر کوتاه باشد به آن **داستان کوتاه short story** گویند.

معادل ناول انگلیسی در اکثر زبانهای اروپایی **رمان roman** است .

منشا نوول

novella که در قرن چهاردهم در ایتالیا مرسوم بود نوعی قصه کوتاه منثور است.

از اجداد دیگر نوول امروزی روایات **پیکارسک** است که در قرن شانزدهم در اسپانیا مرسوم بود معروف ترین نمونه آن **دن کیشوت اثر سروانتس** است.

داستان به معنی امروزی

داستان در معنی امروزی در اروپا بعد از **سروانتس و رابله** پدید آمد.

یعنی تقریباً از قرن هیجدهم به بعد ، بعد از شکست فئودالیسم و به روی کار آمدن طبقه بورژوا

انواع رمان از نظر ساخت

۱- **رمان حوادث**: نوولی است که در آن تکیه اصلی بر حوادثی است که در طی رمان اتفاق می افتد مثل **روبنسون کروزوئه** که مجموعه ای از حوادث در مورد یک قهرمان است.

۲- رمان شخصیت : در رمان حوادث تکیه بر اعمالی است که قهرمان انجام می دهد. اما در رمان شخصیت تکیه بر انگیزه انجام عمل است.

در رمان های حوادث باید پرسید ؟ بعد چه شد ؟

در رمان شخصیت باید پرسید ؟ چرا این طور شد؟

۳-رمان نامه ای که در آن روایت بر مبنای نامه هایی است
که بین قهرمانان اثر رد و بدل می شود.

نامه نگاری بین عاشق و معشوق در رمانهای منظوم ادبیات
فارسی هم دیده می شود.

۴- **رمان اندیشه**: رمانی است که در آن ایده ها و مشرب های از پیش معلومو قالبی گزارش می شود.

مثل **رمانهای نویسندگان حزب سوسیالیست شوروی**.

انواع رمان بر حسب موضوع

۱- نوول شکل گیری یا تعلیم و تربیت : موضوع این گونه رمانها توسعه و تکامل ذهن و شخصیت قهرمان است.

قهرمان تجربیات مختلفی را پشت سر میگذارد و معمولاً بعد از سپری کردن یک بحران روحی به ماهیت و نقش خود و جهان پی می برد.

برخی از آثار توماس مان و سامرست موام

۲- نوول اجتماعی : که در آن تکیه بر تاثیر اجتماع و مقتضیات اجتماعی بر شخصیت قهرمانان و حوادث داستان است و گاهی نیز در آن تزهایی برای اصلاحات اجتماعی عرضه می شود.

مثل خوشه های خشم جان اشتین بک

۳- نوول تاریخی : در این نوع رمان زمینه های اثر و شخصیت‌های و حوادث از تاریخ اخذ شده اند.

مثل رمان ایوانف اثر اسکات

۴- نوول محلی : که تکیه آن بر آیین و رسوم و لهجه شهرها و ایالات است نه به این قصد که صبغه محلی پیدا می کند بلکه از این جهت که تاثیر اوضاع و احوال و عوامل را بر کردار و رفتار شخصیت‌های داستان نشان می دهد .

۵- نوول روانی : که در آن از وسایل ذهنی و روانی قهرمان یا قهرمانان داستان سخن میرود.
این نوع رمان امروزه رواج بسیار یافته است.

انواع رمان از نظر پلات (هسته داستانی)

هسته داستانی plot داستانها هم انواع مختلفی دارد:

تراژدی، کمدی، طنز، عاشقانه

باید توجه داشت که در رمان محض شخصیتهای پیچیده و مشکلی از طبقات مختلف اجتماع با انگیزه های متفاوت مطرحند.

ادامه دارد...

اما در داستانهای عاشقانه و پهلوانی شخصیت های ساده یی مطرحند
که نویسنده در مورد آنان اغراق می کند و آنها را والاتر از آن چه
هستند و بالاتر از واقعیت نشان می دهد.

عناصر داستان

عناصری که مجموعاً داستانی را به وجود می آورند عبارتند از:

۱- تجربه : اعمالی که در داستان مطرح است حاصل تجربیات است.

تجربیات مختلف است که حادثه ها را به وجود می آورد و ایجاد جدال می کند.

۲-جدال : جدال مطرح در داستان یا جدال دو انسان با یکدیگر یا جدال انسان با طبیعت یا خدا یا سرنوشت یا مرگ و یا جدال انسان با خود.

۳- حادثه : جدال منجر به حادثه می شود برای این که بتوان به چرایی و انگیزه حادثه ها جواب داد .

۴- داستان : روایت مرتب و منظم حوادث است .
تسلسل و توالی حوادث.

۵- راوی داستان یا زوایه دید :
هر داستان به طریقی روایت می شود.

معمول ترین شیوه های روایت عبارتند از:

الف- روایت اول شخص : خود نویسنده یکی از افراد داستان است او می تواند قهرمان اصلی باشد یا نباشد.

ادامه دارد...

ب- روایت سوم شخص:
نویسنده بیرون از داستان قرار دارد و اعمال قهرمانان را گزارش می دهد. در این روش راوی ممکن است دانای کل باشد. یعنی از همه ماجرا ها و حوادث اطلاع داشته باشد.

ادامه دارد...

۱۲۲

به راوی از دید گاههای دیگر هم می توان نگریمت:

الف- راوی خود آگاه: نویسنده ای است که از کیفیت خلق اثر هنری خود آگاه است و با اطمینان تمام خواننده را در مسایل مختلف رمان با خویش شریک می کند.

ادامه دارد...

۱۲۳

ب- راوی غیر قابل اعتماد یا جایز الخطا: کسی است که تفاسیر و قضاوت‌های او از مطالب یا اعتقادات، مرسوم و متعارف نیست.

۶- هسته داستان (plot): و آن ترتیب حوادث بر حسب روابط علت و معلولی است.

منطق داستان مبتنی بر همین ترتیب منظم علت و معلولی است.

پلات ساختمان فکری و ذهنی داستان است.

۷- شخصیت: قهرمانان داستان هستند که با اعمال یا گفتار خود داستان را به وجود می آورند.

به آن چه می کنند عمل (action)

و به آن چه می گویند دیالوگ یا گفتار گفته می شود.

به زمینه یی که باعث گفتار یا اعمال قهرمانان می شود انگیزه می گویند.

نویسنده در **شخصیت سازی** دو راه دارد:

۱- **نمایش یا نشان دادن روایت** که شخصیت صحبت نمی کند بلکه عمل می کند.

۲- **بیان کردن:** نویسنده خودش با اقتدار و آزادی دست به توصیف و ارزش گذاری می زند.

امروزه بیشتر روش نمایش را توصیه می کنند.

۸- زمینه: زمینه اثر باعث آشنایی خواننده یا شخصیت ها است.

زمینه زمان تاریخی و مکان جغرافیایی است که حوادث در آن اتفاق می افتد.

۹- فضا و جو: فضای ذهنی داستان است که نویسندگان آن را به وجود می‌آورد.
در فضا و جو، بر خلاف زمینه، توصیفات بیشتر جنبه درونی و ذهنی دارد.
از این رو فضا از زمینه قوی‌تر و مؤثرتر است.

۱۰- لحن: ایجاد فضا در کلام است و شخصیتها در زبان خود را بیان می کنند و از این رو لحن مفهومی نزدیک به **سبک** دارد.

۱۱- الگو: بافتی است که همه اجزاء قصه را مثلاً شخصیتها را در خود جای می دهد و به هم مربوط می کنند.

از این رو مفهومی شبیه به **فرم در شعر** است.

هسته داستان (plot)

plot از عناصر اصلی و مهم داستان است و نویسندگان مختلف معادل های متفاوتی برای آن در نظر گرفته اند.

ما آن را هسته داستان ترجمه کرده ایم.
به توالی منظم اعمال یک اثر روایی که نظم و ترتیب آن ها باعث ایجاد اثر هنری شده است پلات می گویند.

ادامه دارد...

۱۳۲

در پلات باید وحدت اعمال رعایت شود یعنی داستان کلیت منسجمی داشته باشد و هیچ حادثه غیر ضروری در آن ذکر نشود.

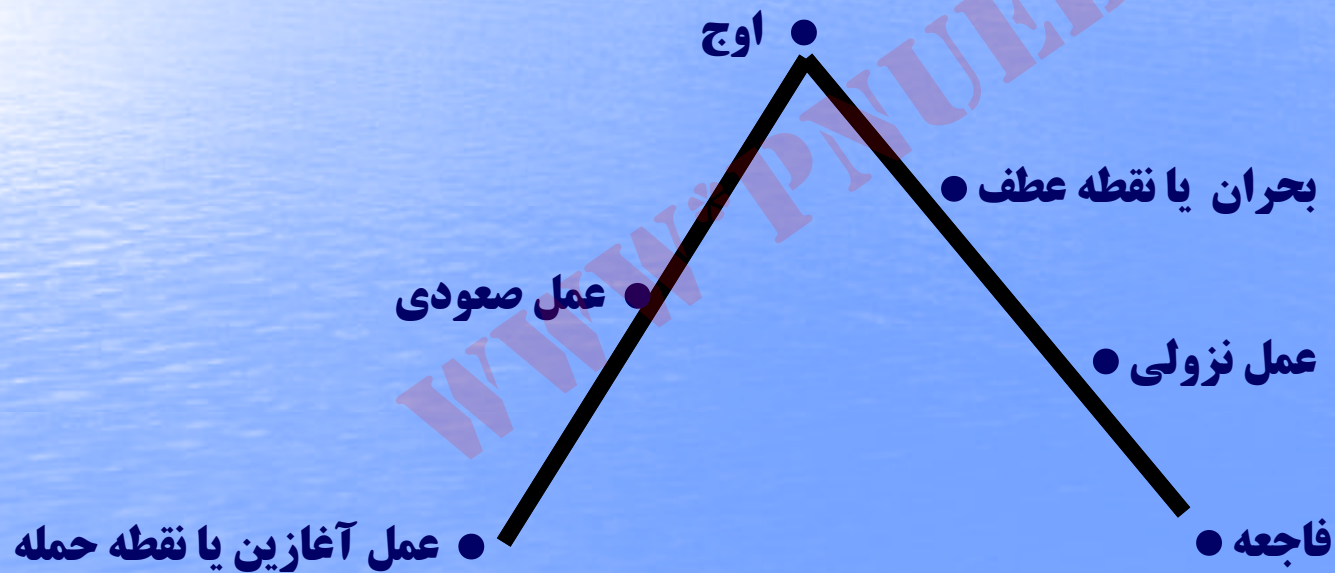
به عمل آغازین پلات، نقطه حمله می گویند.

در برخی از داستانها از فلاش بک استفاده می کنند.

یعنی حوادثی را که قبل از آغاز اثر اتفاق افتاده است به وسایل مختلف مثلاً ذکر خاطره ای یا اعتراف یکی از شخصیت‌های اثر مختصراً مرور می کنند یا نشان می دهند.

نمودار داستان

گوستا و فرای تاک نمودار داستان را به شرح ذیل ترسیم کرده است.



جریان سیال ذهن

یکی از شیوه های داستان نویسی است. در این شیوه، همه طیفهای روحی و جریانات ذهنی قهرمان داستان مطرح می شود و تفکرات و دریافتهای از جنبه های آگاهی و نیمه آگاهی، سیلان خاطرات و احساسات و حتی تداعی معانی های بی پایان در داستان منعکس می شود.

ادامه دارد...

۱۳۶

برخی از منتقدان جریان سیال ذهنی را معادل با **گفتگوی درونی** به کار می برند.

اما در جریان سیال ذهن علاوه بر گفتگوی درونی از شیوه های دیگری هم استفاده می شود و به دنیای ذهنی و درونی قهرمانان می پردازد.

داستان کوتاه

داستان کوتاه که در انگلیسی **short story** و در فرانسه **nouvelle** می گویند.

روایتی به نثر است که چندان بلند نباشد و مطالبی را که در مورد رمان گفته ایم کم و بیش در آن هم صادق است.

داستان کوتاه کوتاه

داستان کوتاه ممکن است خیلی کوتاه باشد مثلاً حدود ۵۰۰ کلمه بیشتر نداشته باشد. در این صورت به آن داستان کوتاه کوتاه می گویند.

رمان کوتاه

نوع دیگری هم هست که بین داستان کوتاه و ناول (داستان بلند) است که به آن **novelette** رمان کوتاه یا داستان نیمه بلند می گویند.

داستان در ایران

داستان و داستان کوتاه به سبک غربی در ایران سابقه چندانی ندارد و بعد از مشروطیت پا گرفته است. نخستین بار به طور جدی **جمال زاده** با نگارش یکی بود یکی نبود (۱۳۰۰ شمسی) و بعد از او **صادق هدایت** داستان کوتاه را به سبک فرنگی در ایران رواج دادند.

داستان های کهن سنتی ایرانی

داستان نویسی در ایران زمینه ی گسترده و مهم داشته است و سابقه آن به ایران پیش از اسلام می رسد.

داستان نویسی در ایران همان نقش ادب نمایشی را در اروپا داشته است.

چند نمونه کهن داستانی

۱- وامق و عذار: که از آن ۳۸۰ بیت به جا مانده است.

وامق از خانواده خود روی بر می گرداند و به یکی از جزایر یونان می رود و در آنجا با عذرا آشنایی شود و به پرسش های پدر او جواب می دهد.

۲- ورقه و گلشاه: ورقه و گلشاه از کودکی باهم بزرگ شده اند اما در بزرگی گلشاه به ازدواج امیرشام در می آید و ورقه از غصه خود را می کشد. گلشاه هم خودکشی می کند.

۳- ویس و رامین: که نخستین داستان مهم منظوم ماست.

در این داستان مسأله عشق و ازدواج بر مبنای ساخت های اجتماعی ایران پیش از اسلام موضوع اصلی است.

۴- خسرو شیرین: که از شاهکارهای ادبیات فارسی است. یکی از نکته های قابل توجه این داستان مقایسه عشق خسرو با عشق فرهاد است.

یکی عشق جنبه صادقانه دارد و یک عشق جنبه مصلحت اندیشانه.

۵- منطق الطیر: نخستین داستان بزرگ منظوم عرفانی ماست.
در آن از شیوه تمثیل استفاده شده و با سمبولیسم همراه است.

ساخت حکایت

هر چند انواع حکایات داریم اما قسمت اعظم حکایات ما چه منثور و چه منظوم جنبه ادب تعلیمی دارند.

شاعر نخست داستانی را روایت می کند و بعد از آن نتیجه حکمی، عرفانی، اخلاقی می گیرد.

انواع داستانهای ایرانی از نظر موضوع

۱- عاشقانه (غنایی) : لیلی و مجنون ، ویس و رامین ، یوسف و زلیخا ، خسرو و شیرین .

۲- عرفانی: پیرچنگی ، منطق الطیر .

۳- حماسه و پهلوانی : داستانهای از شاهنامه ، داراب نامه ، سمک عیار ، اسکندرنامه ، گرشاسب نامه.

ادامه دارد...

۴- دینی : سیره حمزه ، ابومسلم نامه

۵- تراژیک : رستم و سهراب ، رستم و اسفندیار

۶- طنز: حکایات عبیدزاکانی

۷- تعلیمی : حکایاتی از بوستان

۸- فلسفی : حی بن یقظان

۹- رمزی : گنبد سیاه در هفت پیکر

ادامه دارد...

۱۵۰

۱۰- داستانهای وهمی و جادویی

۱۱- داستانهای سرگرم کننده : سندباد نامه

۱۲- داستانهای واقعی: داستانهای اسرار التوحید

۱۳- قرآنی: داستانهایی قصص الانبیاء

۱۴- مقامه : مقامات حمیدی

۱۵- تمثیلی : داستانهای کلیه و دمنه

فصل هفتم : انواع فرعی یا ر و بنایی

۱- مرثیه : از نظر ماهیت جزو ادب غنایی است.
مرثیه در ادب فارسی سابقه کهن دارد و در نخستین دیوان شعر فارسی یعنی دیوان رودکی دیده می شود، هم امروز در آثار شاعران معاصر.

هر چند که بیشتر مرثی ما منظوم است اما قطعات رثایی در نثر نیز وجود دارد.

۲-مفاخره: مفاخره از نوع حماسه است.

پهلوانان در حماسه رجز خوانی می کنند اما مفاخره به صورت مستقل هم وجود دارد و آن شعری است که شاعر به وصف کمالات و فضایل خود می پردازد.

۳- مناظره: ژرف ساخت مناظره هم حماسه است. زیرا در آن بین دو چیز بر سه برتری و فضیلت خود بر دیگری نزاع و اختلاف لفظی در می گیرد و هریک با استدلالی خود را بر دیگری ترجیح می نهد.

ظاهراً اسدی طوسی اولین شاعری است که به مناظره پرداخته است.

۴- شهر آشوب : از فروع هجو است و آن شعری است که در هجو یک شهر و نکوهش از مردم آنجا باشد و ممکن است در ضمن آن از اصناف و صاحبان حرفه های آن شهر سخن رود.

۵- پارودی : که برخی آن را **نقیضه** و برخی **نظیره طنز آمیز** خوانده اند شعری است که به تقلید شعر دیگری گفته شده باشد اما مبتنی بر طنز و هزل باشد.

در ادب غربی **parody** وقتی است که فرم حفظ شود و معنی عوض شود اما اگر معنی حفظ شود و صورت عوض گردد بدان **تراوستی** **travestie** گویند .

۶- حبسیه : از فروع ادب غنایی است و در آن شاعر اندوه و رنج خود را از زندان توصیف می کند.

نخستین و بیشترین حبسیه ها در دیوان **مسعود سعد سلمان** دیده می شود .

۷- طنز و هزل و مطایبه : طنز از اقسام هجو است و فرق آن با هجو این است که تندی و تیزی و صراحت هجو در طنز نیست.

وانگهی در طنز معمولاً مقاصد اصلاح طلبانه و اجتماعی مطرح است.

۸- مناجات : ماهیت مناجات غنایی است و در آن معمولاً با خداوند راز و نیاز می کنند مناجات بیشتر منثور است.

مناجات **خواجه عبدالله انصاری** بسیار معروف است.

فصل هشتم : ادبیات تعلیمی

اثر ادبی تعلیمی اثری است که دانش (چه علمی و چه فطری) از معرفت بشری را تشریح کند یا یک مسأله اخلاقی، مذهبی فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد.

بسیاری از شاهکارهای ادبی جنبه تعلیمی دارد مثل **مثنوی** و **بوستان**

تمثیل : روایتی است که در آن عوامل و اعمال و گاهی زمینه اثر نه تنها به خاطر خود بلکه برای هدفی ثانوی به کار می روند .

۱- تمثیل تاریخی و سیاسی که در آن شخصیت ها، حوادث واقعی و تاریخی را ممثل می کنند .

۲- تمثیل آرا و عقاید که در آن شخصیتها ، مفاهیم انتزاعی را ممثل می کنند .

فابل fable: یک داستان کوتاه به شیوه تمثیلی است که در آن یک تر اخلاقی بایک اصل رفتاری بیان می شود .
معمولاً در پایان این اصل اخلاقی به شکلی بیان می شود.

نون و القلم آل احمد

پارابل parable: روایت کوتاهی است که در آن شباهت های ضمنی اما مفصل و جزء به جزء با اجزای یک تر یا آموزه یی وجود دارد.

پارابل در انجیل و قرآن و آثار صوفیان دیده می شود.

معما : شعری است که پس از قائل در آن به اسم کسی یا چیزی پی
ببریم. شاعر با شگردهای مختلف خواننده را به اسم آن چیز یا کس
راهنمایی می کند.

معماگویی از قرن هشتم تا یازدهم در ایران رواج فوق العاده یافت.

لغز یا چیستان : نوعی شعر است که در آن بدون این که اسم چیزی را ببرند از اوصاف آن سخن گویند تا خواننده به صرافت طبع مقصود رادر یابد.

لغز شمشیر از عنصری ، لغز شمع از منوچهری

مقاله : انشای تقریبا کوتاهی است به نثر که از موضوع خاصی بحث می کند و یا نقطه نظر معینی را شرح می دهد و یا فکری را تبلیغ می کند.

مقاله بر خلاف **رساله** سیستماتیک نیست و حتما نباید کامل و جامع باشد دو نوع مقاله داریم: **رسمی و غیر رسمی**

فصل نهم: اشکال یا قوالب اصلی

۱- قصیده: قصد در عربی به معنی توجه کردن و روی آوردن به کسی یا چیزی است. به شعری می گویند که در آن قصد خاصی باشد و آن قصد در اصل مدح است.

سابقه قصیده:

قصیده قالب رایج و مسلط شعر فارسی از آغاز (قرن ۴) تا پایان قرن ششم است.

اوج قصیده سرای در قرن پنجم و ششم است. در قرن ششم بر اثر تحولات سیاسی و اجتماعی بی که رخ می دهد بازار مدح از رونق می افتد و تصوف رواج می یابد و به دلایل دیگری اندک اندک غزل جای قصیده را می گیرد.

ادامه دارد...

۱۶۸

البته قالب قصیده از بین نمی رود و فقط رایج و مسلط نیست سر
انجام در قرن هفتم سعدی در طی قصیده ای مرگ قصیده را
رسماً اعلام می دارد و ساختمان سنتی آن را در هم می شکند.

وحدت موضوع در قصیده

در قصاید قدیم فارسی وحدت موضوع دیده می شود و ابیات با هم ارتباط موضوعی دارند اما قصیده در حال احتضار ادوار بعد وحدت موضوع ندارند.

منشا قصیده

قصیده اولین نوع شعری است که در ادبیات فارسی بعد از اسلام به تقلید از ادبیات عرب بوجود آمده است. شاعران دوره نخستین قصیده را در همه ابعاد از شعر عربی تقلید کردند. بیش از همه **منوچهری** تحت تأثیر قصاید عربی است.

ساختمان قصیده :

قصیده معمولاً از حدود ۱۵ بیت تا حدود ۵۰ و ۶۰ بیت است .

قالب قصیده به شرح ذیل است:

م _____ م _____
م _____ م _____
م _____ م _____

لحن و موضوع قصیده حماسی است و در آن از مدح و مفاخره و هجو و ذم و از این قبیل مسایل سخن می رود.

قصیده از چند بخش تشکیل می شود:

۱- به آغاز قصیده **تشبیب** یا **نسیب** یا **تغزل** گویند. اگر قصیده ای این مقدمه را نداشته باشد به آن **محدود** یا **مقتضب** گویند.

۲- **تخلص**: یکی دو بیتی است که مقدمه را به متن قصیده متصل می کند.

اگر این اتصال زیبا باشد به آن **حسن تخلص** می گویند.

۳- تنه قصیده یا مدح : که شاعر در آن به مدح ممدوح می پردازد.

۴- پایان شعر یا شریط: و آن دعا در حق ممدوح است و این دعا معمولاً دعای تأیید است. یعنی عمر ابد خواستن برای ممدوح.

زوال قصیده

زوال قصیده در قرن ششم آغاز شد اگر چه اوج قصیده قرن پنجم و ششم است.

در قرن هفتم بعد از حمله مغول قصیده جای خود را به غزل داد.

۲- غزل

قافیه قالب غزل قصیده است . ابیات غزل معمولاً بین ۵ بیت تا ۱۰ بیت است.

تغزل قصیده همان است که در اواخر قرن پنجم مستقل شد و نوع ادبی غزل را به وجود آورد.
ممدوح رفته بود و معشوق آمده بود.

ادامه دارد...

موضوعات اصلی غزل بیان احساسات و ذکر معشوق و شکایت از بخت روزگار است.

غزلیات قدیم شباهت تامی به تغزل دارد.

تفاوت آن دو : لحن تغزل شاد و لحن غزل غمگینانه است.

تغزل بیرون گرایانه است و غزل درون گرایانه است.

معشوق تعزل

در تعزل با سه نوع معشوق مواجهیم:

- ۱- معشوق مذکر که همان ترکان نوجوان لشگری در قرن نخستین تاریخ ایرانند.
- ۲- معشوق زن که در حقیقت کنیز شاعر است. و لاجرم ارج و قربی ندارد.
- ۳- معشوقی که کهن الگوی آن ایزد بانو ها و خدایان مؤنث است.

۳- مثنوی

مثنوی منسوب به مثنی و به معنی دوتایی است و قالب آن به شرح ذیل است.

م _____ م _____
د _____ د _____
ر _____ ر _____

از آنجا که مثنوی به لحاظ قافیه محدودیت ندارد شعر موضوعات و مضامین طولانی است و قالب مناسبی است برای داستان سرایی.

مثنوی قالب خاص فارسی است و در ادبیات عرب رواج چندانی ندارد.

۴- رباعی

رباعی یعنی چهار تایی چون رباعی شعری است چهار مصرای بر وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فعل.

رباعی های قدیم هر چهار مصراع آن قافیه یکسان دارد اما رباعیات جدید مصراع سوم قافیه ندارد و به آن خصی می گویند. رباعی هم خاص ادب فارسی است.

۵- دو بیتی

دو بیتی مانند رباعی است فتها وزن آن مفاعیلن مفاعیلن فعولن است
دو بیتی بیشتر به لهجه های محلی (فهلوی) است و دارای مضامین
غنایی است.
دو بیتی های **باباطاهر** معروف است.

۶- قطعه

قطعه شعری است که معمولاً مطلع مصرع ندارد و دو بیت یا بیشتر است. قطعه را بیشتر در بیان مطالب اخلاقی و تعلیمی و مناظره و نامه نگاری و از این قبیل بکار می برند.

قطعه های **ابن یمین** و **پروین اعتصامی** معروف است.

۷- مفرد

شعری است تک بیتی و قالبی است کم استعمال.
مفرد بیشتر در نکته های اخلاقی به کار می رود. مفرد حکم
کلمات قصار و ضرب المثل را دارد.

۹- ترجیع بند

غزل هایی است که به وسیله یک بیت ثابت مصرع (بیت ترجیع) به هم مربوط شده باشد.

۱۰- ترکیب بند

مانند ترجیع بند است جز این که بیت ترکیب، تکرار نمی شود. و متغیر است.

از ترکیب بندهای معروف، ترکیب بند محتشم کاشانی در واقعه کربلاست.

۱۱- مستزاد

در آخر مصارح شعری (معمولاً رباعی، غزل، قطعه) عبارات کوتاهی آورند که از نظر وزن یکسان و از نظر معنی متناسب و از نظر قافیه متناظر با آن قالب شعری است.

فصل دهم: قوالب فرعی

۱- تمام مطلع: تمام مطلع شعری است که جمیع مصاریع آن (مصراع های فرد و زوج) دارای قافیه مشترک باشد. یعنی تمامی ابیات آن مصرع است.

۲- مثنوی - غزل

شعر از نظر قافیه مثنوی است، یعنی هر بیت قافیه جداگانه دارد اما کل ابیات را ردیفی مشترک به هم پیوسته و به شعر شکل غزل داده است.

۳- ترجیح - غزل

ابیات قافیه درونی دارد و در پایان هر بیت عبارتی نسبتاً طولانی تکرار می شود که نمی توان بدان ردیف گفت زیرا قبل از آن قافیه نیست.

۴- رباعی سه بیتی

رباعی دو بیتی است اما در آثار برخی از صوفیه خصوصاً **عین القضاة** اشعاری به وزن رباعی دیده می شود که دارای سه بیت اند.

از مشخصات این گونه شعر «**تمام مطلع**» بودن آن هاست.

۵- چهارپاره

از قوالب جدید است که مقارن رواج شعر نو بوجود آمد و آن دو بیتی هایی است که با افتراق قافیه اتحاد معنی دارند.

برخی از شاعران در مصراع های سمت راست هم قافیه را مراعات کرده اند.

قوالب شعر نو

شعر نو از نظر قالب به سه نوع است:

- ۱- **شکل نیمایی** که بدان **شعر آزاد** هم می گویند .
شعری است با وزن عروضی منتها ارکان آن مانند شعر سنتی محدود به ارکان مشخص نیست.
یعنی تناسب هجاها وجود دارد ولی تساوی نه و قافیه جای مشخصی ندارد :
اشعار **نیما، اخوان، فروغ، سپهری**

۲- شکل شاملویی که بدان شعر سپید گویند. وزن و آهنگ دارد منتها عروضی نیست و قافیه در آن جای ثابتی ندارد.

۳- شعر موج نو: نه تنها وزن عروضی ندارد بلکه آهنگ و موسیقی آن حتی مانند شعر سپید هم مشخص نیست و در حقیقت منطق غیر نثری آن و تشبیهات و استعارات نوین آن یعنی زبان شعری بدان آهنگ معنوی می بخشد که در نثر نیست.

اشعار **احمد رضا احمدی** بدین شیوه است.

دانش

Payam Nour University Ebook

PNUeb

۱۹۶

...کتابخانه الکترونیک پیام نور....